

۲

برنامۀ مستطیر

انسان بی نهایت ...

Borna.montazer.ir

مرگ چیه؟

از کجا بفهمیم

بعد از مردن

نیست و نابود

نمیشیم



■ مرگ چیه؛ از کجا بفهمیم

بعد از مردن نیست و نابود نمی‌شیم؟



■ مرگ چیه؛ چرا ما باید معنی نیستی و عدم رو بدونیم؟

بعد از مرگ همه چی تمومه یا زندگیمون ادامه داره؟

تا حالا بهش فکر کردین؟

اینکه آدمها بعد مردن چه اتفاقی براشون می‌افته و چی میشن؛
سوالیه که هرکسی یه بار از خودش پرسیده!

یه عده هستن که معتقدن مرگ تازه شروع کاره و زندگی واقعی ما
تازه بعد از مردن شروع میشه!

یه عده هم هستن که مرگ رو پایان همه چیز میدونن و معتقدن مردن
یعنی تبدیل به هیچ‌چی شدن و خلاص!
(راستش همین طرز تفکره که ارزش آدم رو در حد همین دنیا کم می‌کنه
و در نهایت از آدم یه فرد طبیعت‌گرا می‌سازه)

■ سوال اینجاست کہ واقعاً کدومشون درست میگن؟
چرا و چه جوری میشه که آدمای یکی از این دو تا تفکر رو
که اینقدر ددددددددددد با هم متفاوتن باور میکنن؟
اصلاً چه جوریه که گروه اول مرگ رو باور ندارن؟



■ مردن یعنی چی؟ واقعاً وقتی بعیریم؛ تبدیل به هیچ چی می‌شیم؟



Qr کد را اسکن کنید.



■ می‌دونین خیلی وقتا ذهن ما آدمای چیزای ساده رو نمی‌فهمه و تو فکرای پیچیده‌ی
خودش گیر میکنه؛ مثلاً به نمونه‌ش همین معنی عدم و نیستیه. عدم و نیستی
یه جور قرارداد و اسم‌گذاری واسه‌ی نبودن هستیه. ساده‌ترش این میشه که، عدم
همون نبودنه! حالا چیزی که نیست که نمی‌تونه وجود داشته باشه!
چون اگه باشه دیگه بهش نمی‌گیم نیستی، بهش می‌گیم هستی!

حالا بیاین از یه طرف دیگه فکر کنیم؛ یعنی فرض کنیم که
چیزی به اسم نیستی وجود داشته باشه. خب، اگه وجود داشته باشه
که پس هست و به یه جور تناقض می‌رسیم.

■ چون چیزی که هست نمی‌تونه همزمان نباشه،
یه جورایی مثل این می‌مونه که بگیم همزمان هم روزه و هم شب،
که اصلاً همچین چیزی امکان نداره.

اگه اینو خوب متوجه بشیم، می‌فهمیم اینکه بعضیا فکر می‌کنن
که خدا همه چیزو از عدم خلق کرده یه باور اشتباهه؛ چرا؟
چون گفتیم چیزی نمی‌تونه از هیچ چی به وجود بیاد!
وجود و عدم یا هستی و نیستی دوتا چیز کلاً برعکس هم هستن،
مثل خاموش و روشن یا پر و خالی، واسه همینم نمی‌تونن همزمان باهم باشن.

دوستم

میشه به هیچ چی تبدیل شد؛
یا از هیچ چی به وجود اومد؟

یه اتفاق جالب برای امید افتاده
که به جواب این سوال رسیده!



QR کد را اسکن کنید.



■ اصلاً عدم از کجا اومد؟

■ تاحالا به اینکه مرگ چیه فکر کردین؟

دیدین بعضی از آدم‌ها فکر می‌کنن که بعد از مرگ دیگه هیچی وجود نداره و ما آدم‌ها بعد از اینکه زندگی مون تموم شد، تبدیل به «هیچ» می‌شیم! حالا سؤال اینجاس که واقعاً نیستی یا همون عدم وجود داره؟ یعنی وجود ما میتونه یهو نیست و نابود بشه؟

حالا این عدم که این همه ازش حرف می‌زنیم چه‌جوری رو زیونا افتاد؟ اصلاً به این فکر کردین که چرا ما هروقت حرف از عدم یا نیستی میشه گیج می‌شیم؟ قضیه برمی‌گرده به خیلی وقت قبل یعنی اون زمانی که آدم‌ها صفر رو مثل یه عدد قبول کردن! آخه تو زمانای قدیم از شمردن فقط واسه‌ی چیزای واقعی استفاده می‌کردن؛ مثلاً می‌گفتن دوتا سیب رو درخته یا پنج تا اسب دارن میان، اما این شمردن یه چیزی کم داشت، اونم صفر بود! چون وقتی همه‌ی سیب‌ها رو می‌خوردن یا اسب‌ها رو می‌فروختن، دیگه هیچ عددی واسه‌ی نشون دادن جای خالی اونا نداشتن. به خاطر همینم ریاضی‌دانا تصمیم گرفتن نشونه‌ی صفر رو مثل یه قرارداد واسه اشاره به جای خالی یه چیز در نظر بگیرن، و این تصمیم وقتی کار دستشون داد که یادشون رفت صفر یه نشونه است، نه یه عدد؛ یعنی ما عدد هیچ چی و صفر نداریم. صفر فقط وقتی معنی پیدا میکنه که می‌خوایم بگیم یه چیزی اینجا بوده که حالا تغییر مالکیت یا ماهیت داده؛ مثلاً اسبای من شدن اسبای همسایه، یا سیب‌ها خورده شدن، مشخصه که اسب‌ها و سیب‌ها نابود نشدن، فقط مالکیت یا ماهیتشون تغییر کرده.



■ درسته که ما نمی‌تونیم از دست این قانونهای عجیب غریب دنیا تو زندگیمون فرار کنیم، ولی قطعاً می‌تونیم یاد بگیریم که چه جوری باهاشون کنار بیایم یا حتی به نفع خودمون ازشون استفاده کنیم. مثلاً اگه بدونیم اینکه همیشه دنبال چیزای جدیدتر و بهترییم دلیلش بی‌نهایت طلبیمونه، خب سعی می‌کنیم مدیریتش کنیم. آخه هیچ‌چی تو دنیا نمی‌تونه ما رو کامل راضی کنه، و تنها راهش اینه که واسه برطرف شدن این میل‌مون بریم سراغ بی‌نهایت مطلق، یعنی خود خدا! اینجوری هم به آرامش واقعی می‌رسیم، هم از سردرگمی نجات پیدا می‌کنیم.

ما چه بخوایم چه نخوایم قانونهای عجیب غریب دنیا با آرزوها و خواسته‌هامون گره خوردن! پس اگه می‌خوایم به هدفمون نزدیک‌تر بشیم یا حتی راحت‌تر زندگی کنیم، بهتره تنبلی رو کنار بذاریم و زودتر بریم سراغشون و اولین کار هم یاد گرفتن ساختار عمل این قانون هاست که توی این ویدئو توضیحش دادیم:

**مگه میشه!
یعنی ما تا ابد
زنده‌ایم؟!!**

borna.montazer.ir

کمشان
درون



QR کد را اسکن کنید.



■ اما مسئله فقط به این چند مثال ساده ختم نمی‌شه! یعنی اگه ما عدم و نیستی و اشتباه تعریف کنیم، ممکنه بعداً حتی تو تعریف رابطه‌ی خودمون با کل جهان و مسئله‌های مهمتری مثل اینکه مرگ چیه، خدا چیه و خیلی چیزای دیگه به مشکل بخوریم.

دوستم

خدا بیامرزتش، تموم شد رفت!
حتما تو هم این جمله رو زیاد شنیدی!
ولی آخه یعنی چی که تموم شد رفت؟



QR کد را اسکن کنید.



■ عدم وجود به هم چه ربطی دارن؟

■ یادتونه وقتی بچه بودیم و می‌دیدیم شعبده‌باز یه کبوتر یا خرگوش از تو کلاه خالیش درمیاره، چقدر تعجب می‌کردیم؟ آخه انگار یه چیز از هیچ چی به وجود می‌اومد! یعنی ما از همون بچگی هم می‌دونستیم که چیزی نمی‌تونه از هیچ چی به وجود بیاد! به خاطر همینم تعجب می‌کردیم!

■ مهمترین جایی که کار ما به فهمیدن عدم گره می خوره وقتی که می خوایم راجع به وجود صحبت کنیم. چون عدم درست نقطه‌ی برعکس وجوده؛ اگه وجود معنیش هستی و بودن، عدم میشه نیستی کامل، پس اگه ما عدمو درست بفهمیم، بهمون کمک میکنه تا وجودم خوب بفهمیم. وجود بی‌نهایت و نامحدوده و هیچ چی نمی‌تونه محدودش کنه.

حالا که مفهوم وجود و عدم یا هستی و نیستی رو بهتر فهمیدیم، می‌تونیم بهتر بفهمیم که مرگ چیه و ما بعد از مردنمون امکان نداره نیست و نابود بشیم؛ اما اینکه وقتی مردیم کجا میریم و اصلاً چرا لازم داریم بفهمیم مرگ چیه، چیزیه که بعداً بیشتر راجع بهش باهم حرف می‌زنیم؛ چون ما تا نفهمیم از کجا اومدیم و به کجا می‌ریم و اینجا چی کار داریم، نه می‌تونیم خودمونو درست بشناسیم و نه می‌تونیم واسه کاری که برانش به دنیا اومدیم، آماده بشیم.

به قلب هم بهت برسونم؟!

اسم دیگه‌ی وجود مطلق و بی‌نهایت خداست؛ پس این جوری می‌فهمیم که هیچ چی غیر از وجود خدا تو این عالم نیست. یعنی هرچی که ما تو عالم می‌بینیم یه جورایی جلوه‌های رنگارنگ خداست؛ اگه هنوز داستان برات کامل جا نیفتاده، چراغ رو گوش کن:

QR کد را اسکن کنید.



Borna.montazer.ir

